

Investigating the cultural and psycho-social factors related to the consolidation of the family foundation

Roghayeh Abbasi¹ | Robabeh Pourjabali² | Khadijeh Zolghadr³

Abstract

From a sociological point of view, the family is the most basic social institution that plays a significant role in shaping the macro structure of society and increasing its productivity. Therefore, the importance of addressing the issue of "family consolidation" is rooted in the importance of the family institution. The sacred institution of the family is the fundamental pillar of human society and the bearer of various cultures to the extent that the prosperity and misfortune of the nations depends on the growth and deviance of the family. Therefore, the first condition of having a healthy and dynamic society is the health and stability of the family. The aim of the current research was to investigate the cultural and psycho-social factors related to the consolidation of the family foundation from the perspective of family court experts and Zanjan police force consultants. The method of the current research was a qualitative Delphi type, which was through a questionnaire with the Delphi technique. The data was collected through in-depth interviews with semi-structured sampling, as well as by collecting library and field information. The statistical population of this research was formed by family court experts and police advisors, 30 of them participated in the first round, but in the second, third and fourth rounds until their opinions were saturated, 24 of the subjects participated. They answered the questionnaire. In order to analyze the Delphi results, in the first round, content analysis was performed to identify the main themes in the unstructured questionnaire. The findings showed that 25.3% of the respondents consider weak life skills, 23.3% marital dissatisfaction, 11.6% behavioral disorders and 2.5% social problems as basic family problems. Based on the data in the above table, 26.2% of the respondents teach life skills to young people before marriage, 24.1% give deep counseling about marital issues before marriage, and 20.5% eradicate Addiction, crime and delinquency in the country were 18.8% of creating jobs and solving the problem of youth unemployment and 10.4% of creating a culture of the correct way to use the virtual network as a factor to strengthen the strength of the family foundation. The results of the findings indicate that according to experts, cultural factors have the first priority over social factors in strengthening the family foundation.

Keywords: family foundation consolidation, cultural factors, psycho-social factors.

DOR: 20.1001.1.25885162.1403.15.1.8.0

1. Doctoral student of Sociology, Islamic Azad University, Science and Research Department, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Iran.
r.pourjabali@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Zanjan Branch, Iran

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



Received:
22 January 2023
Revised:
8 February 2023
Accepted:
16 April 2024
Published:
28 April 2024
P.P: 165-187

ISSN: 2588-5162
E-ISSN: 2645-517x



بررسی عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده از منظر کارشناسان دادگستری و انتظامی

رقیه عباسی^۱ | ربابه پورجبلی^۲ | خدیجه ذوالقدر^۳

۵۷



سال پانزدهم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۱/۰۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۱/۲۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۲/۰۹

صص: ۱۶۵-۱۸۷

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۵۱۶۲
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۱۷



DOR: 20.1001.1.25885162.1403.15.1.8.0

چکیده

از منظر جامعه‌شناسی، خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که در شکل‌گیری ساختار کلان جامعه و افزایش بهره‌وری آن نقش بسزا دارد. از این رو اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده» ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مروهون رشادت و ضلالت خانواده است؛ بنابراین اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده از منظر کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی شهرستان زنجان بود. روش پژوهش حاضر کیفی از نوع دلفی بود که از طریق پرسش‌نامه با تکنیک دلفی بود. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با نمونه‌گیری نیمه‌ساختاریافته، و نیز با جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر را کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی تشکیل دادند که در راند اول ۳۰ نفر از آن‌ها مشارکت کردند؛ اما در راندهای بعدی دوم، سوم و چهارم تا به حد اشباع رسیدن نظرات آن‌ها ۲۴ نفر از آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه پاسخ دادند. برای تحلیل نتایج دلفی، در اولین راند، تحلیل محتوا برای شناسایی تم‌های اصلی در پرسش‌نامه بدون ساختار اولیه انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان ضعف مهارت‌های زندگی، ۲۳/۳ درصد ناراضی‌تبی زناشویی، ۱۱/۶ اختلالات رفتاری و ۲/۵ درصد معضلات اجتماعی را به‌عنوان مشکلات اساسی خانواده می‌دانند. بر اساس داده‌های جدول فوق، ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان را قبل از ازدواج، ۲۴/۱ درصد دادن مشاوره‌های عمیق پیرامون مسائل زناشویی قبل از ازدواج، ۲۰/۵ درصد ریشه‌کن‌کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور، ۱۸/۸ درصد اشتغال‌زایی و رفع مشکل بیکاری جوانان و ۱۰/۴ درصد فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه مجازی به‌عنوان عامل تقویت استحکام بنیان خانواده بودند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که از نظر کارشناسان عوامل فرهنگی اولویت اول را نسبت به عوامل اجتماعی در تحکیم بنیان خانواده داراست.

کلیدواژه‌ها: تحکیم بنیان خانواده، عوامل فرهنگی، عوامل روانی - اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران. Pourjabali@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.



ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons Licence- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

نحوه زیست و فرهنگ هر فرد، از اولین عوامل مؤثر در روابط او است و روابط انسان، انعکاس آموخته‌های پیرامونی اوست. از این رو هنجارهای رفتاری در اقوام و ملیت‌های گوناگون، متفاوت است. به طوری که از رفتار یک جامعه می‌توان وضعیت فرهنگی و اجتماعی آن را ارزیابی کرد. روابط اعضاء در خانواده نیز، متأثر از ادبیات محیط و آموخته‌های غیرمستقیمی است که از اطراف دریافت می‌شود. مدارا، پابندی به خانواده و همسر یا برعکس پرخاشگری، عدم سازش، طغیانگری و ویژگی‌هایی است که خانواده‌ها تا حدود زیادی از محیط خود می‌آموزند. بر اساس مدل گشتاوری السون مهم‌ترین شاخص برای یک خانواده متعادل در درجه اول رضایت، صمیمیت، امنیت و آرامش اعضا و در درجه دوم، پویایی و تحول مناسب با فرهنگ برتر و سازنده بشری است. شاخص اول نشانگر تطابق اعضای خانواده با یکدیگر و شاخص دوم نشانگر تطابق مجموعه خانواده با شرایط فرهنگی و اجتماعی است (خدادوست و ابراهیمی مقدم، ۱۳۹۸). خانواده‌هایی که این دو شاخص مهم را ندارند، در حقیقت در حالت عدم تعادل به سر می‌برند. در دنیای امروز به‌رغم پیشرفت‌های حیرت‌انگیز علم و صنعت، خانواده بیش از گذشته دستخوش تزلزل روابط و از هم گسیختگی است و آسیب‌هایی را در جامعه به وجود آورده است.

از دهه ۱۹۳۰ به بعد، مطالعات خانواده در میان جامعه‌شناسان خانواده محوریت یافت (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶)، و ویلیام اف. آگ برن (۱۹۳۴) از اولین جامعه‌شناسان متخصص در حوزه خانواده بود که به بررسی وضعیت خانواده آمریکایی پرداخت. از میان مکاتب و دیدگاه‌هایی که جامعه‌شناسان حوزه خانواده درباره موضوع تحکیم بنیان خانواده اظهار نظر نمودند و از نگاه پارادایمی به آن نگریسته‌اند مکتب ساخت‌گرا کارکردگرایی انسجامی است. این رویکرد از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا از طریق کارکردگرایی معرفی می‌شود. این نظریه در حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی به وسیله کاربران مختلف به کار بسته می‌شود و در پس‌زمینه تئوریک غالب نظریات جامعه‌شناختی، نشانه‌هایی از آن را می‌توان مشاهده نمود (فضیحی، ۱۳۸۹). یکی از ابعاد این رویکرد گرایش، قائل شدن به تشابه بین موجودات زنده و جامعه است، که جامعه را یک موجود زنده تلقی می‌کند. یکی از پیش‌فرض‌های هستی‌شناسی و فلسفی مکتب ساخت‌گرا

کارکردگرایی انسجامی بر این دلالت دارد که موجودات مورد مطالعه ما حالت‌های مجموعه‌ای و یا سیستمی دارند؛ یعنی، دارای اجزا و عناصری هستند که در یک مجموعه کلی قرار می‌گیرند و این مجموعه کل، دارای حیات خاصی است. دو نوع رابطه بین این کلیت و اجزاء وجود دارد: ۱- روابطی که مبتنی بر کنش متقابل است. ۲- روابطی که مبتنی بر خصصت «شیفتگی، وابستگی یا پای‌بندی» می‌باشد. در مکتب کارکردگرایی اصالت به جمع داده می‌شود. از نظر این مکتب، انسجام وقتی صورت می‌گیرد که سه شرط حاصل شود: الف) نظم، ب) تعادل، ج) آرامش. کارکردگرایان به طور کلی جامعه را نظامی دارای نظم و ترتیب می‌دانند. به طور کلی دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه مانند یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفه سایر اعضا و اجزا به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر کدام به نوبه خود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چرا که به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵). آن‌ها بر خانواده به منزله نهاد بنیادی جامعه تأکید داشته‌اند. طبق این دیدگاه خانواده وظایف مهمی را به انجام می‌رساند که جزء نیازهای اساسی جامعه است و به بقای نظم اجتماعی کمک می‌کند (تنهایی، ۱۳۸۳). از نظر دورکیم (۱۹۶۹) خانواده جزئی از جامعه و شناخت آن مستلزم شناخت کل جامعه است؛ زیرا در فرایند تکامل یا تأثیر و تأثر با جامعه قرار می‌گیرد. به اعتقاد او انسجام اجتماعی تنها نیرویی است که هدف‌ها، واکنش‌ها و چگونگی رفتار فردی انسان را تعیین می‌کند. وی فرهنگ و نهادهای اجتماعی را بنیادی‌ترین منشأ انسجام اجتماعی معرفی می‌کند که از دو کارکرد مهم برخوردار است: نخست اینکه انسجام و پیوستگی اجتماعی، امکان حمایت روانی اعضای جامعه را در وضعیت‌های بحرانی فراهم می‌کند و از نگرانی‌ها، فشارها و نیز از تأثیر بحران بر افراد می‌کاهد. دوم انسجام اجتماعی را، که نقش آن کنترل و نظارت بر افراد است در جوامع بسیار همبسته و منسجم (از جمله خانواده) حفظ می‌کند. به طوری که افراد به حال خود رها نمی‌شوند؛ به خدمت خانواده در می‌آیند؛ به جای منافع فردی به منافع جمعی می‌اندیشند و در نهایت، فردگرایی و از هم گسیختگی کاهش می‌یابد (آزاده و همکاران، ۱۳۹۱). جامعه‌شناسان از سویی، به مسائلی مانند ساختار و کارکرد خانواده شامل روابط بین اعضا و کارکردهای خانواده و تعامل یا کنش متقابل در درون خانواده توجه داشته‌اند و از سویی دیگر، به تغییرات و تحولات خانواده و دگرگونی‌هایی

که در اثر ارتباط بین عوامل بیرونی و درونی خانواده به وجود می‌آید، می‌پردازند (روح الامینی، ۱۳۷۷). بنابراین با توجه به تغییرات و تحولات در زمینه خانواده، و اینکه نهاد خانواده در کشور ما همواره از استحکام و غنای خاصی برخوردار بوده است، بیشتر مسائل فرهنگی، شخصیتی و اجتماعی ما در کانون خانواده شکل می‌گیرد، و باید آن را از جنبه‌های مختلف بررسی و ارزیابی نمود. از این منظر یکی مهم‌ترین و اصلی‌ترین این مسائل، مسأله تزلزل و تحکیم خانواده است. وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، فرهنگی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، خانواده دچار مشکل می‌شود. این مشکلات و ناراحتی‌ها ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که از آن به طلاق یاد می‌شود. امروزه طلاق به عنوان یک مسئله جهانی، نشانگر میزان فروپاشی استحکام خانواده‌ها، توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. طلاق فقدان است که سازگاری و انسجام و رضایت ذهنی را مختل می‌کند (باستایس، پاستیلز و مارتلمنز، ۲۰۱۸). در قرن بیستم به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی، ارزشی و نظام هنجاری در بسیاری از نقاط جهان به ویژه در جوامع صنعتی، میزان طلاق روندی افزایشی به خود گرفته است. با نگاهی به وضعیت آمار طلاق در ایران نیز نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر روندی رو به رشد داشته است حتی بیشتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه پنج‌ساله چهارم، که از ۵/۵ درصد رشد پیش‌بینی شده در سال آخر برنامه ۱۳۸۸ به ۱۳/۸ درصد رشد در این سال رسیده است (امیدی شهرکی، ۱۳۸۸). یعنی حدود ۲/۵ برابر میزان پیش‌بینی شده، طلاق رخ داده است و نسبت به ۱۷ سال گذشته نزدیک به ۵ برابر شده است، در حالی که در این مدت ازدواج کمتر از دو برابر افزایش داشته است (ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴). در سال ۱۳۷۲، نسبت ازدواج به طلاق ۱۵/۸ درصد بوده، در سال ۱۳۸۰، ۱۳/۸۱ درصد و در سال ۱۳۹۶، به ۳/۹۸ درصد رسیده است (سالنامه آماری سرشماری ۱۳۹۶). این آمار مطابق آنچه در سایت سازمان ثبت‌احوال کشور آمده، در شهرهای بزرگ همچون تهران پایین‌تر است. بنابراین با احتساب این نکته که به ازای هر طلاقی که به طور رسمی صورت می‌گیرد، چند پرونده طلاق در نوبت دادگاه وجود دارد و همچنین چند طلاق عاطفی که به دلایل مختلف مانند حفظ آبرو و فرزندان اقدام رسمی نکرده‌اند، در بین خانواده‌ها است. بر اساس نتایج سرشماری

عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۶ شهرستان زنجان نیز، در این سال تعداد ۹۶۱۵ ازدواج و تعداد ۲۴۱۲ طلاق به ثبت رسیده است که نسبت به سال گذشته به ترتیب ۱۱/۱۲ و ۰/۳۷ درصد کاهش داشته است (سالنامه آماری استان زنجان، ۱۳۹۶). فیلی، حبیبی و پاکیزه (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف ترسیم الگوی مطلوب شبکه اجتماعی بر تحکیم بنیاد خانواده عوامل شناختی، رفتاری و اجتماعی را شناسایی کردند. خطیبی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد که عوامل فرهنگی بالاترین رابطه را تحکیم بنیاد خانواده ایفا می کنند و عوامل اجتماعی و عاطفی به ترتیب از اهمیت بالایی برخوردارند. این موارد وضعیت نگران کننده‌ای را در مورد خانواده‌های متزلزل و متلاشی در جامعه گوشزد می کند. از این رو با کشف و تعمیق شناخت پدیده طلاق و از هم فروپاشی خانواده‌ها، زمینه شناخت علمی و گسترده آن، به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه‌های روانی-اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی محیط و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان بار طلاق یاری رساند.

از این رو، هدف از پژوهش حاضر در این زمینه، هم می تواند روشنگر برخی عوامل روانی - اجتماعی و فرهنگی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده از نظر کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی زنجان باشد، و هم به شناخت و برنامه ریزی در جهت حفظ، ثبات و استحکام نهاد خانواده، یاری رساند که شناخت عالمانه و مدبرانه آن با استفاده از مدل‌ها و نظریه‌های موجود و نیز قضاوت متخصصان و اهل فن و به طور جدی با انجام پژوهش‌های علمی جامع و با آگاهی از نظرات صاحب نظران حوزه جامعه‌شناسی و پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه عوامل تحکیم بنیان خانواده است و با توجه به نقش خانواده، به عنوان اصلی ترین رکن نظام اجتماعی و تأثیر گذاری وسیع و همه-جانبه آن بر سایر نهادهای اجتماعی، آسیب شناسی آن بسیار ضروری است و شرط پویایی و استمرار آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان همسران و ارتباط آن‌ها با فرزندانشان است. تحصیل معرفت به این گونه روابط، نیازمند آشنایی هر یک از اعضا با وظایف و حقوق خویش است. از سویی یکی از اساسی ترین سیاست‌های فرهنگی - امنیتی تحکیم بنیاد خانواده ایرانی - اسلامی است، لذا نظرات کارشناسان نهادهای کیفری و امنیتی مانند کارشناسان دادگستری و مشاوران نیروی انتظامی با آگاهی از فرهنگ بومی و دانش تخصصی می تواند به فهم عوامل اساسی و سیاست گذاری فرهنگی اجتماعی کمک کند؛ بنابراین در چنین شرایطی تنها با تدوین و تبیین

راهبردهای تحکیم بنیان خانواده و تلاش در جهت ارتقای آن می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم امیدوار بود. همچنین نگاهی به منازعات زوجین و مراجعه به پرونده‌های مربوط به طلاق، گویای این حقیقت تلخ است که میزان طلاق و فروپاشی خانواده‌ها در حال افزایش است. در این راستا پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده و تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی نظرات کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی شهر زنجان بپردازد. از طریق شناسایی عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی تحکیم بنیان خانواده، می‌توان راهکارهای عملی نو و مؤثر را در اختیار سازمان‌ها و مسئولین ذی‌ربط خانواده قرارداد؛ لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده از نظر کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی کدام‌اند و کارشناسان حوزه دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی زنجان با توجه به آندوخته‌های علمی، تخصصی و تجربیات شغلی خود در حوزه دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی نسبت به عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده و استحکام پایه‌های آن چه نظرات و پیشنهاداتی ارائه می‌دهند؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ هدف یک مطالعه کاربردی، و به لحاظ زمانی مقطعی، و به لحاظ پارادایم از نوع تحقیقات کیفی با رویکرد تکنیک دلفی به صورت نمونه‌گیری احتمالی تصادفی ساده و با گزینش اعضا با روش هدف‌دار، در چهار راند، انجام گرفت. به لحاظ ابزار گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه عمیق میدانی، کتابخانه‌ای و با روش توصیفی، و تحلیل و تفسیر جامعه‌شناختی نسبت به عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده انجام گرفت و جامعه آماری آن را کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی تشکیل دادند که در راند اول ۳۰ نفر از آن‌ها مشارکت کردند؛ اما در راندهای بعدی دوم، سوم و چهارم تا به حد اشباع رسیدن نظرات آن‌ها فقط ۲۴ نفر از آن‌ها در این پژوهش آمادگی خود را اعلام نمودند. برای آنالیز نتایج دلفی، در اولین راند، آنالیز محتوا برای شناسایی تم‌های اصلی در پرسش‌نامه بدون ساختار اولیه انجام گرفت که نتایج آن پرسش‌نامه بدون ساختار را به پرسش‌نامه با

ساختار تبدیل نمود و اساس راندهای بعدی را تشکیل داد. دومین راند، آغاز به کارگیری روش‌های کمی بود که تکنیک رتبه‌بندی و درجه‌بندی (میان و چارک‌ها) استفاده شد و در سومین راند و راندهای متعاقب، شاخص‌های مرکزی (میانگین، میان و نما) و شاخص پراکندگی (انحراف معیار و محدوده میان چارکی) بر اساس مقیاس لیکرت به کار گرفته شد و روش‌های آنالیز بر اساس هدف دلفی، ساختار راندها، نوع سؤالات و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین شد. همچنین در این پژوهش، برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال^۱ استفاده شد. برای تعیین ترتیب اهمیت متغیرهای شناسایی شده در این روش، پس از نمره‌گذاری پاسخ‌های متخصصان درباره اهمیت متغیرهای شناسایی شده در روش دلفی، میانگین و انحراف معیار نمره‌ها بر اساس محاسبه نزولی مرتب شد. اعضای پانل در دور چهارم در بخش رتبه‌بندی عوامل ۲۴ نفر بودند که به صورت مستقل مؤلفه‌های عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده مورد مطالعه را بر اساس اهمیت مورد نظر مرتب کردند. ضریب هماهنگی که برابر با معناداری $\text{sig}=0/000$ است، اتفاق نظر قابل قبولی را نشان داد.

یافته‌های پژوهشی

نظرات کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی پس از جمع‌آوری، کدبندی (کمی‌سازی)، تجزیه و تحلیل و تفسیر شدند. نتایج کیفی و کمی به دست آمده از روش دلفی در چهار راند به شرح ذیل به دست آمد:

۱- راند اول تکنیک دلفی: مسئله پژوهش تعریف و متغیرهای آن تعیین و بر این اساس ویژگی‌های لازم برای شرکت‌کنندگان در کارگروه دلفی تعیین شد. همچنین فهرستی از محتوای مصاحبه‌های کتبی و شفاهی از عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی تحکیم بنیان خانواده از تحقیقات پیشین استخراج و رتبه‌بندی شد، سپس نامزدهای مشارکت در این کارگروه شناسایی و از آنان دعوت به عمل آمد و با کمک مصاحبه کتبی (پرسشنامه)، با طرح چندین سوال کلی باز در زمینه موضوع پژوهش و ارسال آن برای تمام اعضای کارگروه (پانل) به تعداد ۳۰ نفر از اعضای کارشناسان حوزه خانواده زنجان ارائه شد، نظرات کارشناسان جمع‌آوری، ثبت و بعد از

1. Kendall Tau-b Correlation Coefficient

کدگذاری و تجزیه و تحلیل، گویه‌ها و زیرمعیارهای هر کدام از عوامل فرهنگی و روانی-اجتماعی تحکیم بنیان خانواده، استخراج گردید.

۲- راند دوم تکنیک دلفی (اولویت‌بندی گویه‌های استخراج شده راند اول): در راند اول دیدگاه ۳۰ نفر از اعضای کارشناسان نسبت به موضوع تحقیق و متغیرهای به دست آمده از آن، با کمک سوالات باز در بین کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی خانواده زنجان ارائه شد و نتایج جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و دسته‌بندی شد و اما در راند دوم: نتایج گویه‌های استخراج شده از راند اول را، مجدداً به کارشناسان ارائه دادیم تا درجه اهمیت گویه‌ها را مشخص کنند و با نظر خود گویه‌های استخراج شده راند اول را اولویت‌بندی کنند. پس از استخراج گویه‌ها، جهت تعیین گویه‌ها و اولویت‌بندی مربوط به متغیرهای تحقیق، نظرات کارشناسان جمع‌آوری شد و بعد از کدگذاری و تجزیه و تحلیل اولویت‌بندی شد. بنابراین در راند دوم، پس از گردآوری داده‌ها در دور اول، رتبه‌بندی‌های به دست آمده درباره گویه‌ها مشخص می‌شود و از پاسخ‌دهندگان در دور دوم تقاضا می‌شود در صورتی که نظرشان با رتبه‌بندی به دست آمده تطابق ندارد، نسبت به توجیه نظر خود با نتایج دور اول یا تعدیل آن اقدام کنند و خود اولویت‌بندی کنند و نیز ایده‌ها و نظرات‌شان را در مورد عواملی که در این فهرست به آن‌ها اشاره نشده است، بیان کنند و عوامل دارای اهمیت متوسط و پایین‌تر حذف و تعداد عوامل کاهش می‌یابد تا کار برای ادامه، قابل قبول شود.

۳- راند سوم تکنیک دلفی: پس از انجام راند اول و راند دوم تکنیک دلفی توسط نظرات کارشناسان، در راند سوم میزان موافقت یا مخالفت ۲۴ نفر از اعضای مذکور نسبت به گویه‌های اولویت‌بندی شده، با طرح سؤال بسته بر حسب طیف لیکرت (کاملاً موافقم=۵، موافقم=۴، تاحدودی=۳، مخالفم=۲، کاملاً مخالفم=۱)، در بین کارشناسان ارائه و نظرات آن‌ها جمع‌آوری شد. نظرات به دست آمده نسبت به گویه‌های استخراج شده بر اساس چارک و درصد در دو گزینه موافق و مخالف به قرار جدول زیر به دست آمد. در راند سوم دلفی اعضای کارگروه میزان اهمیت مؤلفه‌های عوامل فرهنگی و روانی-اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده را تعیین یا تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها را انتخاب می‌کنند. بر این اساس، تعداد مؤلفه‌های این عوامل به میزانی

کاهش می‌یابد که کار با آن‌ها قابل انجام باشد. در حقیقت این مرحله برای کاهش تعداد مؤلفه‌های عوامل فرهنگی و روانی-اجتماعی به تعداد قابل قبول برای ادامه کار انجام می‌شود.

۴- راند چهارم تکنیک دلفی: در راند سوم دیدگاه کارشناسان جمع‌آوری و میزان توافق آن بر اساس چارک و درصد استخراج گردید و تعداد سؤال که توافق در آن‌ها وجود نداشت مجدداً در راند چهارم به صاحب‌نظران عودت داده شد و نظرات و دلایل مخالفت کارشناسان با گویه‌ها در این مرحله با طرح سؤال باز مورد بررسی قرار گرفت. در واقع راند چهارم به بازنگری در میزان اهمیت مؤلفه‌های عوامل بر اساس نتایج مرحله پیش یا تعیین ترتیب اهمیت مؤلفه‌های عوامل اختصاص دارد. در این مرحله، هر یک از اعضاء در جریان نظر گروه قرار می‌گیرد و مجدداً در میزان یا ترتیب اهمیت عوامل تجدیدنظر می‌کنند. تجدیدنظر اعضاء تا جایی ادامه می‌یابد که میان آنان اتفاق نظر حاصل شود یا تعداد شرکت‌کنندگان به کمتر از حد لازم برسد. در دور چهارم، مجموعه عوامل و نظر هر عضو به علاوه میانگین نظر اعضای کارگروه (پانل) در دور سوم برای دستیابی به اتفاق نظر و پایان‌دادن به مراحل، اجرا شد. بدین ترتیب می‌توان به توافقی-از نقطه نظر تشخیص گویه‌ها حاصل دست یافت. به طور معمول یک مقیاس پنج درجه‌ای برای رتبه‌بندی به کار رفت که به ترتیب اهمیت شامل: «کاملاً موافقم=۱»، «موافقم=۲»، «تأحدودی=۳»، «مخالقم=۴»، «کاملاً مخالفم=۵» است. از اعضای کارگروه تقاضا شد که در صورت تمایل، مواردی را که در پرسشنامه ذکر نشده و از نظر ایشان مهم تلقی می‌شود، ذکر کنند. روش دلفی پس از انجام راند چهارم دستیابی به اتفاق نظر مطلوب به پایان رسید و در مورد عوامل فرهنگی و روانی-اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده که بیشترین اولویت را داشتند، بین صاحب‌نظران اتفاق نظر حاصل شد.

۵- راند پنجم تکنیک دلفی (تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی گویه‌های تأیید شده از اشباع نظرات کارشناسان): پس از اینکه در پایان راند چهارم، در مورد عوامل فرهنگی و روانی-اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده که بیشترین اولویت را داشتند، بین صاحب‌نظران اتفاق نظر حاصل شد و اشباع نظرات کارشناسان نسبت به گویه‌های توافق شده با میزان آستانه تحمل بالاتر از ۷۵٪ انجام گرفت، در راند پنجم جمع‌بندی و نتیجه کلی ارائه شد که حسب میانگین رتبه‌ها، عوامل-

فرهنگی اولویت اول را نسبت به عوامل روانی-اجتماعی در ارتباط با تحکیم بنیان خانواده به دست آورد.

نتایج میزان موافقت یا مخالفت کارشناسان با گویه‌های اولویت‌بندی شده از تأثیر عوامل فرهنگی بر تحکیم بنیان

خانواده

ردیف	گویه‌ها	موافق	مخالف
۱	برنامه‌ریزی مسئولین در رابطه با ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و اجرا و نظارت نسبت به آن‌ها (از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه ملی)	۹۵/۸	۴/۲
۲	ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای زوجین و خانواده‌ها	۹۱/۷	۸/۳
۳	آموزش و مشاوره قبل از ازدواج	۸۷/۵	۱۲/۵
۴	کاهش اختلافات و فاصله فرهنگی زوجین نسبت به یکدیگر (از قبیل توجه به طبقه، محل سکونت، تحصیلات و...)	۸۳/۳	۱۶/۷
۵	یکسان بودن و تناسب و همکف بودن زوجین به لحاظ فرهنگی	۹۵/۸	۴/۲
۶	تماشای فیلم، تئاتر، سینما، سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره	۸۳/۳	۱۶/۷
۷	تأثیر فعالیت‌های فرهنگی رسانه‌ای	۷۹/۲	۲۰/۸
۸	تناسب فرهنگی خانواده زوجین	۷۹/۲	۲۰/۸
۹	پایبند بودن به ارزش‌های فرهنگی	۸۳/۳	۱۶/۷
۱۰	تعریف کاربردی در حوزه‌های فرهنگی در خانواده	۸۷/۵	۱۲/۵
۱۱	نظم و انضباط	۷۹/۲	۲۰/۸
۱۲	وجود روحیه مشورت در خانواده	۸۳/۳	۱۶/۷
۱۳	سطح سواد و استفاده از رسانه‌های کتبی مرتبط با خانواده	۸۳/۳	۱۶/۷
۱۴	شرکت در جشنواره‌ها، همایش‌ها و اجلاس‌های علمی در حوزه خانواده در طول سال	۸۳/۳	۱۶/۷
۱۵	تشریح سبک زندگی (بر اساس فرهنگ خودی یا مدرن)	۷۹/۲	۲۰/۸

اولویت‌بندی عوامل فرهنگی بر حسب میانگین رتبه‌ها

اولویت	میانگین رتبه‌ها	گویه‌ها	ردیف
۱	۴/۷۱	برنامه‌ریزی مسئولین در رابطه با ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و اجرا و نظارت نسبت به آن‌ها (از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه ملی)	۱
۳	۴/۳۸	یکسان بودن و تناسب و همکف بودن زوجین به لحاظ فرهنگی	۲
۳	۴/۳۸	ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای زوجین و خانواده‌ها	۳
۸	۴/۰۸	آموزش و مشاوره قبل از ازدواج	۴
۲	۴/۶۲	تعریف کاربردی در حوزه‌های فرهنگی در خانواده	۵
۶	۴/۲۱	وجود روحیه مشورت در خانواده	۶
۵	۴/۲۵	سطح سواد و استفاده از رسانه‌های کتبی مرتبط با خانواده	۷
۸	۴/۰۸	تأثیر فعالیت‌های فرهنگی رسانه‌ای	۸
۷	۴/۱۷	تشریح سبک زندگی (بر اساس فرهنگ خودی یا مدرن)	۹
۳	۴/۳۸	نظم و انضباط	۱۰
۹	۴/۰۴	پایبند بودن به ارزش‌های فرهنگی	۱۱
۴	۴/۳۳	شرکت در جشنواره‌ها، همایش‌ها و اجلاس‌های علمی در حوزه خانواده در طول سال	۱۲
۵	۴/۲۵	کاهش اختلافات و فاصله فرهنگی زوجین نسبت به یکدیگر (از قبیل توجه به طبقه، محل سکونت، تحصیلات و...)	۱۳
۷	۴/۱۷	تناسب فرهنگی خانواده زوجین	۱۴
۶	۴/۲۱	تماشای فیلم، تئاتر، سینما، سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره	۱۵

باتوجه به محاسبات جداول فوق، در راند پنجم، و باتوجه به عوامل فرهنگی، نتایج حاصل از پاسخگویان حاکی از آن است که از بین ۱۶ گویه تدوین شده، با محاسبه میزان چارک و درصد و میانگین رتبه‌های هر گویه از نظر کارشناسان، میزان آستانه تحمل ۱۵ گویه بیشتر از ۷۵٪ بود، یعنی کارشناسان در این مرحله در مورد این ۱۵ گویه به عنوان عوامل فرهنگی موافقت خود را به طور کامل نشان دادند.

نتایج میزان موافقت یا مخالفت کارشناسان با گویه‌های اولویت‌بندی شده از تأثیر عوامل روانی - اجتماعی بر تحکیم بنیان خانواده

ردیف	گویه‌ها	موافق	مخالف
۱	وقت صرف کردن برای اعضای خانواده	۷۹/۲	۲۰/۸
۲	کاهش اعتیاد	۹۱/۷	۸/۳
۳	عدم فاصله طبقاتی اجتماعی	۸۷/۵	۱۲/۵
۴	کاهش فاصله اجتماعی و درک همسر	۸۳/۳	۱۶/۷
۵	ایجاد اعتماد به نفس در زوجین و قبول آن‌ها از سوی اجتماع	۸۳/۳	۱۶/۷
۶	مشارکت و وجود روابط اجتماعی زوجین در اجتماع، در تحصیل، شغل، محیط کار	۹۱/۷	۸/۳
۷	ترس از حرف مردم	۷۹/۲	۲۰/۸
۸	احترام زوجین به همدیگر در اجتماع	۸۳/۳	۱۶/۷
۹	نگاه مثبت به حل مشکلات اجتماعی طرفین	۷۹/۲	۲۰/۸
۱۰	رفع نیازهای اجتماعی (مسافرت، خرید و...)	۹۱/۷	۸/۳
۱۱	گسترش دامنه ارتباطات مناسب با دوستان و آشنایان و تأثیر مثبت آن‌ها در زندگی	۹۱/۷	۸/۳
۱۲	عدم رواج مادی‌گرایی در زندگی مشترک	۹۵/۸	۴/۲
۱۳	ازدواج در سن مناسب	۷۹/۲	۲۰/۸
۱۴	قانونمند کردن حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران	۸۳/۳	۱۶/۷
۱۵	مشورت در خانواده	۸۷/۵	۱۲/۵
۱۶	احترام به خانواده و فامیل همسر به صورت متقابل	۷۹/۲	۲۰/۸
۱۷	داشتن صداقت و صمیمیت و تعهد به یکدیگر توسط زوجین	۸۷/۵	۱۲/۵
۱۸	استفاده صحیح زوجین و فرزندان از فضاهای مجازی و اعتماد به یکدیگر در زندگی مشترک	۹۵/۸	۴/۲

اولویت‌بندی عوامل روانی - اجتماعی بر حسب میانگین رتبه‌ها در راند پنجم

اولویت	میانگین رتبه‌ها	گویه‌ها	ردیف
۶	۴/۲۱	عدم رواج مادی‌گرایی در زندگی مشترک	۱
۴	۴/۲۹	عدم فاصله طبقاتی اجتماعی	۲
۲	۴/۴۲	استفاده صحیح زوجین و فرزندان از فضاهای مجازی و اعتماد به یکدیگر در زندگی مشترک	۳
۸	۴/۱۲	رفع نیازهای اجتماعی (مسافرت، خرید و...)	۴
۸	۴/۱۲	کاهش اعتیاد	۵
۴	۴/۲۹	داشتن صداقت و صمیمیت و تعهد به یکدیگر توسط زوجین	۶
۷	۴/۱۲	احترام زوجین به همدیگر در اجتماع	۷
۵	۴/۲۵	مشورت در خانواده	۸
۶	۴/۲۱	نگاه مثبت به حل مشکلات اجتماعی طرفین	۹
۴	۴/۲۹	گسترش دامنه ارتباطات مناسب با دوستان و آشنایان و تأثیر مثبت آن‌ها در زندگی	۱۰
۶	۴/۲۱	وقت صرف‌کردن برای اعضای خانواده	۱۱
۱	۴/۴۶	کاهش فاصله اجتماعی و درک همسر	۱۲
۹	۴/۰۸	احترام به خانواده و فامیل همسر به صورت متقابل	۱۳
۹	۴/۰۸	ایجاد اعتماد به نفس در زوجین و قبول آن‌ها از سوی اجتماع	۱۴
۵	۴/۲۵	ترس از حرف مردم	۱۵
۷	۴/۱۷	مشارکت و وجود روابط اجتماعی زوجین در اجتماع، در تحصیل، شغل، محیط کار	۱۶
۳	۴/۳۳	ازدواج در سن مناسب	۱۷
۲	۴/۴۲	قانونمند کردن حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران	۱۸

باتوجه به محاسبات جداول فوق، در راند پنجم، و باتوجه به عوامل اجتماعی، نتایج حاصل از پاسخگویان حاکی از آن است که از بین ۱۹ گویه تدوین شده، با محاسبه میزان چارک و درصد و میانگین رتبه‌های هر گویه از نظر کارشناسان، میزان آستانه تحمل ۱۸ گویه بیشتر از ۷۵٪ بود، یعنی

کارشناسان در این مرحله در مورد این ۱۸ گویه به عنوان عوامل روانی-اجتماعی موافقت خود را به طور کامل نشان دادند.

میانگین کلی رتبه‌های عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی تحکیم بنیان خانواده از نظر کارشناسان

رتبه	میانگین پاسخ‌ها	تعداد کارشناسان	تعداد گویه	جمع نمره	عوامل تحکیم بنیان خانواده
۱	۴/۲۸	۲۴	۱۵	۱۰۲/۷۲	عوامل فرهنگی
۲	۴/۲۴	۲۴	۱۸	۱۰۱/۲۸	عوامل اجتماعی

باتوجه به محاسبات جداول فوق، در راند پنجم، و بر اساس جدول میانگین رتبه‌ها از بین عوامل تحکیم بنیان خانواده: عوامل فرهنگی در اولویت اول و عوامل روانی - اجتماعی در اولویت دوم قرار دارد (بنابراین عوامل فرهنگی اولویت اول را نسبت به عوامل روانی - اجتماعی به دست آورده است).

و همچنین باتوجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل و تفسیر نظرات کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی خانواده زنجان، و باتوجه به آمار مراجعه کنندگان، مشاهده شد که تحکیم بنیان خانواده در زنجان در سطح پایین است.

راهکارهای کارشناسان دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی زنجان در زمینه عوامل فرهنگی و روانی - اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده

عوامل تحکیم بنیان خانواده	درصد	درصد تجمعی
آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان قبل از ازدواج	۲۶/۲	۲۵/۲
دادن مشاوره‌های عمیق پیرامون مسائل زناشویی قبل از ازدواج	۲۴/۱	۴۹/۳
ریشه‌کن کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور	۲۰/۵	۷۰/۸
اشتغال‌زایی و رفع مشکل بیکاری جوانان	۱۸/۸	۸۹/۶
فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه‌های مجازی	۱۰/۴	۱۰۰
جمع	۱۰۰	

بر اساس داده‌های جدول فوق، ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان را قبل از ازدواج به عنوان اولین عامل برای تقویت استحکام بنیان خانواده عنوان نموده و ۲۴/۱ درصد دادن مشاوره‌های عمیق پیرامون مسائل زناشویی قبل از ازدواج، ۲۰/۵ درصد ریشه-

کن کردن اعتیاد، جرم و بزه در کشور، ۱۸/۸ درصد اشتغال‌زایی و رفع مشکل بیکاری جوانان و ۱۰/۴ درصد فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه مجازی را عواملی مناسب برای تقویت بنیان خانواده می‌دانند.

مسائل و مشکلات امروزی در خانواده‌ها (موانع فرهنگی و روانی - اجتماعی تحکیم بنیان خانواده) از منظر کارشناسان

درصد	درصد تجمعی	شاخص‌ها	مسائل و مشکلات
۲۵/۳	۲۰/۳	حل مسئله	ضعف در مهارت‌های زندگی
	۳۷/۸	تعهد زوجین به یکدیگر و فرزندان	
	۵۲/۴	تاب‌آوری	
	۷۳/۸	صبر، گذشت و فداکاری	
	۱۰۰	مسئولیت‌پذیری	
۱۵/۸	۱۱/۱	مشغولیت در شبکه مجازی	شبکه‌های مجازی
	۲۹/۵	اعتیاد اینترنتی	
	۵۸/۸	دوستی‌های اجتماعی	
	۹۱/۵	خیانت زوجین به یکدیگر	
	۱۰۰	ازدواج مجدد همسر	
۲۱/۵	۱۰/۶	بیکاری	وضعیت اقتصادی
	۱۶/۷	تورم	
	۵۷/۹	سطح پایین درآمد و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی	
	۸۰/۸	کاهش سطح رفاه خانواده	
	۹۴/۸	ضعف در مدیریت مالی خانواده	
	۱۰۰	تجمل‌گرایی و چشم‌هم‌چشمی	
۲۳/۳	۱۲/۴	روابط ضعیف و غیر صمیمانه با همسر	نارضایتی از زندگی زناشویی
	۲۲/۱	گذران فراغت انفرادی هر یک از زوجین	
	۲۹/۴	عدم تفاهم زن و شوهر	
	۳۳/۵	اختلاف در اعتقادات مذهبی و باورهای دینی	
	۵۰/۵	نارضایتی جنسی	

مسائل و مشکلات امروزی در خانواده‌ها (موانع فرهنگی و روانی - اجتماعی تحکیم بنیان خانواده) از منظر کارشناسان

درصد	درصد تجمعی	شاخص‌ها	مسائل و مشکلات
	۷۳/۱	۲۲/۶	عدم آگاهی از مسائل جنسی
	۸۴/۵	۱۱/۴	کاهش نقش حمایتی مرد در خانواده
	۹۲/۲	۷/۷	نادیده‌گرفتن جایگاه هریک از زوجین
	۹۴/۵	۲/۳	ترک منزل توسط هریک از اعضای خانواده
	۱۰۰	۵/۵	عدم مشارکت و همکاری در خانواده
	۲۰/۳	۲۰/۳	عدم بلوغ فکری هر یک از زوجین
	۴۱/۳	۲۱	شک و سوءظن، بی‌اعتمادی و بدبینی
	۴۲/۵	۱/۲	بزهکاری فرزندان
۱۱/۶	۶۹/۹	۲۷/۴	اعتیاد به مواد مخدر و الکلی
	۸۵/۴	۱۵/۵	بی‌عفتی، بی‌غیرتی
	۹۳/۷	۸/۳	عیب‌جویی و تحقیر
	۱۰۰	۶/۳	عدم رعایت ارزش‌ها و هنجارها
	۲۰/۷	۲۰/۷	طلاق در اطرافیان
۲/۵	۶۱/۷	۴۱	الگوپذیری غلط و کورکورانه از دیگران
	۱۰۰	۳۸/۳	اختلاف فرهنگی و طبقاتی
۱۰۰		۶۰۰	جمع

بر اساس داده‌های جدول فوق، ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان ضعف مهارت‌های زندگی را در خانواده به عنوان یکی از مشکلات خانواده امروزی دانسته‌اند که مسئولیت‌پذیری بالاترین مشکل این افراد می‌باشد، دومین مسأله‌ای که عنوان شده نارضایتی زناشویی با ۲۳/۳ درصد بوده که در این عامل، عدم آگاهی از مسائل جنسی بالاترین درصد (۲۲/۶ درصد) را به خود اختصاص داده است؛ عامل سوم از نظر پاسخگویان شرایط بد اقتصادی (۲۱/۵ درصد) است که در تضعیف بنیان خانواده اثرگذار است که از این عامل شاخص «سطح پایین درآمد و ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی» بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است، نقش شبکه‌های مجازی را نیز در این بحث

نباید نادیده گرفت، چرا که افراد با ورود به شبکه‌های مجازی از دنیای واقعی دور شده و به راحتی می‌تواند حریم‌ها را شکسته و یک زندگی پرتنش را بیافریند در این عامل خیانت زوجین به یکدیگر (۳۲/۷ درصد) پررنگ‌تر می‌باشد. در مرتبه بعدی عامل فردی (اختلالات رفتاری) نمود پیدا می‌کند که پاسخگویان به اعتیاد اعضای خانواده اشاره کرده‌اند و نهایتاً از بین عوامل روانی-اجتماعی می‌توان به الگوپذیری غلط و کورکورانه از دیگران را یکی از مسائل و مشکلات خانواده امروزی نام برد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی عوامل فرهنگی و روانی-اجتماعی مرتبط با تحکیم بنیان خانواده از منظر کارشناسان دادگستری و مشاوران نیروی انتظامی پرداخته شد. این نتایج با یافته‌های خطیبی (۱۳۹۴/۱۳۹۸) و قیلی، حبی و پاکیزه (۱۴۰۱) همسو است. بدین ترتیب با استناد به یافته‌های آماری و تئوریک پژوهش حاضر می‌توان گفت طبق رویکرد کارکردگرایی و نظریه‌های تبیین‌کننده تحکیم بنیان خانواده و متغیرهای فرهنگی و روانی-اجتماعی تالکوت پارسونز و امیل دورکیم قابل تبیین است. با توجه به مکتب کارکردگرایی، کارکردگرایان جامعه را نظامی دارای نظم و ترتیب می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانسیم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی‌شماری است که هر یک باید کارکردهایی خاص را برای بقای کلی سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده‌ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله‌مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد. بنابراین در رویکرد کارکردگرایی، هنگامی که در کارکردهای خانواده اختلال ایجاد شود، نظام خانواده دچار کژکارکردی می‌شود. این وضعیت به خانواده‌هایی اطلاق می‌شود که در ایجاد و تثبیت ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و رفتارهای اجتماعی در محیط خانوادگی شکست خورده‌اند، خانواده کژکارکرد حالتی از بی‌سامانی را در قالب خانواده‌های به‌هم ریخته و آشفته نشان می‌دهد که در آن بی‌توجهی به یکدیگر، برخورد و درگیری، رفتار ناشایست و خشونت و بدرفتاری رواج دارد (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰). به طور کلی از نظر کارکردگرایان ویژگی‌های جوامع سنتی، تقسیم نقش‌ها بر اساس عواملی مثل سن، جنس، اصل و نسب و در کل

خصوصیات انتسابی است در حالی که در جوامع جدید، توزیع نقش‌ها بر مبنای خصوصیات لازم برای آن نقش‌ها مثل آموزش مهارت، تجربه و تخصص و... با خصوصیات اکتسابی است. به زعم "پارسونز" تقسیم نقش بر اساس جنس، متضمن سازوکاری است که همبستگی خانواده را پایدار می‌کند؛ زیرا اختلاف نقش میان جنسیت‌ها به تکالیف بین والدین می‌انجامد و در نتیجه از ایجاد وضعیت رقابت بین آن‌ها جلوگیری می‌کند (مثلاً چنانچه زن در زندگی اجتماعی از موقعیت شغلی همسان با شوهرش برخوردار باشد این امر به رقابت بین آن‌ها کشیده می‌شود و نابسامانی‌های خانوادگی را ایجاد می‌کند) و به نظر "پارسونز" در فرایند توسعه صنعتی خانواده تمام عملکردهای تولیدی سیاسی و دینی خود را از دست داده و صرفاً به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است و عملکردهای اقتصادی و آموزش بین خانواده و دیگر نهادها تقسیم شده است (ساروخانی، ۱۳۸۱). فقدان این کارکردها در خانواده می‌تواند از عوامل مؤثر در کاهش تحکیم بنیان خانواده باشد، به این معنا که وجود این کارکردها می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای زوجین در حفظ و بقای خانواده و الگوهای فرهنگی مناسب آن فراهم سازد. بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار در کاهش و عدم تحکیم بنیان خانواده را در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد: اول وقتی که کارکرد سازگاری خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجهه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. چنانچه وقتی خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا اینکه در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش‌دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن)، نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می‌یابد. فرسودگی شغلی زوجین در این دسته قرار می‌گیرد، زیرا سختی معیشت می‌تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر و خستگی‌های ناشی از آن می‌تواند تحکیم بنیان خانواده را با چالش مواجه کند. دوم زمانی که خانواده در کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجهه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین شده برای آن بسیج کند. مواردی مانند نبود سلامت جسمی - روانی زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف موردنظر دور کند. سوم وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود؛ این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که

قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند، نمونه آن را می‌توان در موردی جست‌وجو نمود که نقش‌های جنسیتی در خانواده و نظام هنجاری تقسیم نقش‌ها مختل می‌شود. در این صورت بایستی منتظر اختلاف در خانواده و افزایش فروپاشی خانواده و سپس طلاق واقعی بود. سرمایه اجتماعی خانواده و نظم اجتماعی آن در این کارکرد قرار می‌گیرد. چهارم هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده باز می‌ماند؛ در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و لذا با به وجود آمدن کمترین اختلافی آماده برای گسستن این پیوند می‌گردند.

ازدواج و پیوند زناشویی پاسخی به نیازهای فطری انسان است و اهداف مهم و ارزشمندی در این پیوند نهفته است؛ اما با تغییر نگرش جوامع، متأسفانه برخی از اهداف دستخوش تغییرات زیادی شده است و این امر تا حدودی تحکیم بنیان خانواده‌ها را تحت شعاع خود قرار داده است. خانواده امروز ایرانی با خانواده متعادلی که باید سنگ بنای یک جامعه سالم باشد، فاصله زیادی دارد. این خانواده، از یک‌سو هنوز گرفتار بعضی سنت‌های غلط گذشته مانند بی‌عدالتی و ظلم به زنان بوده و از سوی دیگر آموزه‌های مدرن مانند انکار تفاوت‌های جنسیتی، اختلاط نقش‌ها، فردگرایی و اصالت لذت‌های دنیایی، سلامت، ثبات و حتی کیان خانواده را به خطر انداخته و آسیب‌های جدی برای جامعه به وجود آورده است. عوامل و موانع متعددی از جمله عوامل و موانع عاطفی، اعتقادی - دینی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...، در تحکیم بنیان خانواده، سرزندگی یا فروپاشی آن مؤثرند که باید بین خانواده و توسعه، تعامل برقرار کرد و ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی حاکم بر خانواده‌ها را حفظ و تقویت نمود چرا که نحوه تشکیل و بقای خانواده، نقش مهمی در سعادت‌مندی افراد و پیشرفت جوامع و ملت‌ها دارد و باید در تحکیم بنیان‌های خانوادگی بسیار کوشید. بدین ترتیب تحکیم بنیان خانواده در گرو راهکارهایی است که ارتباط بین اعضای خانواده را محکم و ناگسستنی و از لغزش و لرزش آن جلوگیری می‌کند. در وهله اول ازدواج و درست بودن مقدمات ازدواج، حُسن معاشرت در خانواده که در دو محدوده مرزهای حقوقی و دستورالعمل‌های اخلاقی تعیین می‌شود، توجه به جایگاه خانواده از سوی اعضا که اولین گام در تنظیم روابط است، حفظ حرمت و شخصیت افراد، در گرو احترامی است که در

برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد، دارای اهمیت زیادی است. رعایت این مسئله خصوصاً از سوی کسانی که با هم انس و الفت دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. صبر و بردباری در زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، رازداری و وفاداری، مشی آرام و بی‌تکبر، ترس از کیفر الهی، دوری از اسراف و رعایت قناعت و...، از عوامل دیگر تحکیم بنیان خانواده هستند.

در این پژوهش نیز عوامل و موانع تحکیم بنیان خانواده از منظر کارشناسان و مراجعه‌کنندگان به دادگاه خانواده و مشاوران نیروی انتظامی زنجان، به ترتیب به روش‌های دلفی و پیمایشی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شد که با توجه به اهداف، فرضیات، سؤالات، نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر و یافته‌های تحقیقات پیشین در زمینه تحکیم بنیان خانواده، برای حفظ نهاد خانواده، از طریق تقویت روابط اعضای خانواده و ترویج ارزش‌های خانوادگی و استمرار مطلوب کارکردهای مهم خانواده، به برخی از پیشنهادها پژوهشی و کاربردی زیر اشاره می‌شود: ۱- اهمیت و توجه به خانواده‌ها بخصوص خانواده‌های نظامی به‌عنوان یک سرمایه، ۲- رعایت مرزهای رفتاری و عاطفی درون خانواده و بیرون آن، ۳- تحکیم باورهای دینی در خانواده بخصوص خانواده‌های نظامی، ۴- استمرار و تحکیم روابط خویشاوندی و حمایت آن‌ها، ۵- کنترل استفاده از رسانه‌ها در خانواده در راستای مدیریت جنگ شناختی و ترکیبی رسانه‌ها، ۶- اهمیت به نقش‌زن در خانواده، ۷- توجه و حفظ روابط انسانی و کرامت و شخصیت هر فرد، ۸- تعاون و همکاری در خانواده، ۹- رفع مشکل بیکاری جوانان و اشتغال‌زایی پایدار، ۱۰- آموزش‌های مهارت‌های زندگی و اجتماعی به جوانان در قبل و بعد از ازدواج، ۱۱- آموزش شیوه همسررداری و مسائل زناشویی برای زوجین و نحوه برخورد آن‌ها با یکدیگر در بروز بحران‌ها و مشکلات عاطفی، اعتقادی - دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در کلاس‌های آموزشی مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی و اجتماعی بخصوص در خانواده‌های نظامی، ۱۲- دادن مشاوره‌های عمیق متعدد به خانواده‌ها پیرامون مسائل عاطفی، اعتقادی - دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در قبل و بعد از ازدواج، ۱۳- مدیریت فضای مجازی و فرهنگ‌سازی نحوه صحیح استفاده از شبکه‌های مجازی در کانون خانواده‌ها، ۱۴- اطلاع‌رسانی برنامه‌های فرهنگی اجتماعی از طریق رسانه‌های عمومی جهت اطلاع خانواده‌ها، ۱۵- ساخت سریال‌های تلویزیونی از زندگی افراد موفق و سرشناس در حوزه خانواده،

و آموزش زندگی سالم از طریق رسانه‌ها در جهت تحکیم بنیان خانواده‌ها، ۱۶- اصلاحات اقتصادی و مبارزه با تورم و گرانی، ۱۷- تبادل تجربه با سایر کشورها به منظور یافتن سازوکارهایی برای تقویت بنیان خانواده و پیشرفت زنان، ۱۸- طراحی دوره‌های آموزشی بومی شده برای کارمندان سازمان‌های دولتی، قضایی، نیروهای مسلح و غیره در زمینه خانواده سالم و مستحکم، ۱۹- وارد کردن مباحث "تحکیم بنیان خانواده" به محتوای آموزشی کلاس‌های پیش‌و‌پس از ازدواج بخصوص خانواده‌های نظامی.

قدردانی

نویسندگان از مشارکت گزندگان در پژوهش و نهادهای دادگستری و نیروی انتظامی کمال تشکر و قدردانی را دارند.



فهرست منابع

- Azad Aramaki T. (1386-89). Sociology of Iranian family. Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt).
- Azazi SH. (1376). Family sociology. Emphasizing the role. The structure and function of the family in the contemporary era. Tehran. Enlightenment Publications and Women's Studies. Print 6.
- Bastais K, Pasteels I, Mortelmans D. (2018). How do post-divorce paternal and maternal family trajectories relate to adolescents' subjective well-being Journal of Adolescence, 64, 98-108.
- Bernards. J. (1384). An introduction to family studies. Translation: Hossein Qazian. Tehran. Ney published.
- Buick Mohammadi Z. (1375). Semantic ethnography of a key word of healthy society. Number 29
- Dekhoda A.A. (1377-80). dictionary Tehran. University of Tehran Publishing and Printing Institute. Edition 2 and 18.
- Durkheim A. (1381). About the division of social work. Translation: Bagher Parham. Tehran. Publications Center.
- Epstein, N. B. & D.s. Bishop. (1981). "Problem- centred systems therapy of the family", in Gurman and Kniskern (eds).
- Fasihi, A. (1389). Examining the effectiveness of functionalism theory. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. Year 1. Number 2. pp. 109-131.
- Fukuyam, F. (1999). "The Great Disruption: Human nature and the Reconstitution of Social Order, New York: Free Press.
- Gairdner, W. (1992). "the War against the Family". by Paul Crouser. Reviewed. By D. Stoddart Publishing Company Ltd.
- Goode, William J. (1989). "The family, Prentice-Hall of India".
- Gottman, J. M. (1993). "The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. Journal of Consulting and Clinical Psychology", 61 (1), 6-15.
- Gottman, J. M. (1994). "What predicts divorce: The relationship between marital processes and marital outcomes". Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Hajian Moghadam F, & at el. (1395-96). Designing a strong family model. The subject of the vision document of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 1404 AH. Woman and family. pp. 879-902.
- Hajian Moghadam F. (2013). Meta-analysis of family studies in the field of the factors that make up and the erosive factors of the Iranian family. Research journal of women. 5(1): 1-39
- Hetherington, E. M, Cox, M. & Cox, R. (1997). "The Development of Children in Mother Headed Families". In H. Hoffman & D. Reiss (Eds). The American Family: Dying and Developing New York: Plenum.
- Jensen, A. M. (1994). "The Feminization of Childhood", in J. Keller & et al (1994). Sociology, McGraw-Hill, New York.
- Khanifar H. (1387). Family pathology. Tehran. University of Applied Sciences Publications.
- Khatibi, A. (2014). Comparison of gender attitudes towards the factors affecting the consolidation of the family foundation. Women and Family Educational Cultural Quarterly, 10(33): 114-89.

- Khatibi, A. (2017). Measuring the impact of compatibility components on family consolidation. *Educational culture of women and family*, 12(42), 7-31.
- Khodadust, S., & Ebrahimi Moghadam, H. (2020). Effectiveness of Olson circumplex model training on attachment styles and marital conflicts in couples exposed emotional divorce. *Family Counseling and Psychotherapy*, 9(2), 53-72.
- Khodadust, S., & Ebrahimi Moghadam, H. (2020). Effectiveness of Olson circumplex model training on attachment styles and marital conflicts in couples exposed emotional divorce. *Family Counseling and Psychotherapy*, 9(2), 53-72.
- Parson T. B. (1995). "Socialization&inraction process", the free press.
- Ritzer ,George. (1988). "Sociological Theory", singapor
- Ritzer. J. (1380). *Sociological theories in the contemporary era*. Translation: Mohsen Talasi, Tehran. Scientific publications.
- Robertson. Y. (1374). *An introduction to sociology*. Hossein Behrvan Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House.
- Rosenbaum. H. (1367). *Family as a structure against society*. Tehran. Translation: Mohammad Sadeq Mahdavi. University Publication Center. First Edition
- Sarukhani, B. (1376-70). *An introduction to family sociology*. Tehran. Soroush Publications.
- Sarukhani, B. (1381). *Female. Power and family*. *Quarterly Journal of Women in Development and Politics*. (Vol. 12): 29-50
- Segalen. Martin. (88 and 1370-75). *Historical sociology of the family*. Translation: Hamid Eliasi. Tehran. Center publication.
- Statistical Yearbook of Zanzjan Province . (2015). *Management and planning organization of Zanzjan province*. Deputy of statistics and information.
- Taghavi N. (1374). *Sociology of family*. Tehran. Payam Noor Publications. 1376 Sh
- Tanhaei H, Shukarbeigi. A. (1387). *Globalization. Modernism and family in Iran (transition or collapse)*. *Sociology Quarterly*. (Vol. 10): 33-56.
- Tanhaei H. (1383). *An introduction to sociological schools and theories*. Marandiz publication. Mashhad.
- Tavasoli GH. (1376). *Sociological theories*. Tehran. Side Publications. Eighth edition.
- Turner, Jonathan H. (1988). "The Structure of Sociological Theory". Wads Worth Publishing Co. New York.
- Wallace, Ruth A. & Wolf, A. (1991). "Contemporary Sociology Theory". Prentice-Hall, New York.
- Winter, I. (ed) (2000). *Social Capital and Public Policy in Australia*, Melbourne: Australian Institute of Family Studies.
- Zaran, M. CHaboki, O. (1393). *Family health from a sociological point of view*. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*. 5(20): 141-163